کیهان

در مکتب امام

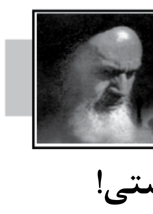

گوشه خانه‌ات می‌نشستی!

اگر آقایان توقع دارند که خوب شما چرا با آمریکا در افتادید که این جنگ‌ها واقع بشود و این بساط بشود، ما می‌دانیم که در افتادن با آمریکا و همه قدرت‌ها این توابع را دارد، لکن این‌اشکالی است که این آقایان باید به خود پیغمبر بکنند که چرا با «ابوسفیان»ها درافتادی تا عمویت را بکشند؟ تا آن افراد به آن بزرگی را بکشند؟ خوب، تو هم تسلیم می‌شدی تا آنها [کشته نشوند] گوشه خانه‌ات می‌نشستی! به امیرالمؤمنین هم این‌اشکال وارد است.

صحیفه امام؛ ج۱۷؛ ص۱۶۹ | جماران؛ ۲ دی ۱۳۶۱

نقش شکر نعمت و خوش‌خلقی در زندگی

از کلمات نورانی حضرت امیر(ع) در نهج البلاغه است که فرمود: «إِذَا قَدَرْتَ عَلَی عَدُوِّکَ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ عَنْهُ شُکْراً لِلْقُدْرَةِ عَلَیْهِ»؛(۱) اگر بر دشمنت مسلّط شدی و قادرانه او را مقهور کردی، عفو از او را شکر قدرت قرار بده. اگر کسی نعمتی خدا به او داد، شکر این نعمت واجب است و اگر کسی شکر نعمت کرد و شکرش شکر متوسط باشد، خدای سبحان نعمت او را افزون می‌کند، واگر شکر او شکر عالی باشد، خود او را بالا می‌برد. اینکه گفته شد: «شکر نعمت نعمتت افزون کند؛ کفر، نعمت از کفت بیرون کند»؛ نه «کفرِ نعمت»! شکر نعمت این کار را می‌کند، کفر نعمت، نعمت از کف بیرون کند، این برای شکر متوسط است که اگر کسی شکر نعمت کرد نعمتش افزوده می‌شود. اما آنچه در آیه ۷ سوره مبارکه «ابراهیم» آمده است، نفرمود اگر شکر نعمت کردید ما نعمت شما را افزوده می‌کنیم! بلکه فرمود گوهرِ هستیِ شاکر را بالا می‌بریم: «لَئِن شَکَرْتُمْ لأَزِیدَنَّکُمْ»، نه «لأزیدنّ نعمَتَکُمْ».

انسان در حد ایمانِ متوسط درک می‌کند و شکر می‌کند، این شکر باعث افزایش نعمت اوست، می‌شود «شکر نعمت، نعمتت افزون کند». وقتی به امام(ع) عرض کردند که ما چگونه خدا را شکر کنیم؟ فرمود: تمام نعمت‌ها را از او بدانید، بعد فرمودند: «الْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعالَمین»؛(۲) من تمام شکرها را در این جمله انجام دادم؛ یعنی توحید در شکر، توحید در مُنعِم بودن، توحید در ربوبیت، توحید در الهیت، همه را من رعایت کردم، چون این «الف» و «لام»، برای استغراق است؛ یعنی تمام حمدها از هر حامدی که صادر بشود از آنِ خداست؛ چون حمد در برابر نعمت است و منعم غیر از خدا نیست. اگر شکر در این حد باشد، گوهر ایمان خود شخص بالا می‌آید که در سوره «ابراهیم» فرمود: «لَئِن شَکَرْتُمْ لأَزِیدَنَّکُمْ»، نه «لازیدنّ نعمتَکُم».

نفس اماره؛ دشمن غیر قابلِ گذشت

این شکر نعمت مصادیقی دارد، فرمود اگر بر دشمن پیروز شدید، عفو از او را شکر قرار بدهید؛ یعنی این یکی از مصادیق شکر نعمت است. این برای کدام دشمن است؟ آن دشمنی است که اگر شما بر او مسلّط شدید او دگرباره درصدد عداوت و دشمنی نباشد؛ اما آن دشمنی که هرگز دست از دشمنی برنمی‌دارد، نباید مورد عفو قرار بگیرد، همچنان باید تحت استیلا قرار بگیرد و آن نفس امّاره است. شیطان آن دشمنی نیست که اگر کسی نسبت به او مهربانی کند و او را عفو کند، او صرف نظر کند. اینکه حضرت رسول خدا(ص) فرمود: «أَعْدَی عَدُوِّکَ نَفْسُکَ الَّتِی بَیْنَ جَنْبَیْکَ»؛(۳)، این هوس از هر دشمنی بدتر است، چرا؟ برای اینکه اگر مار یا عقرب یا سگ یا گرگ حمله کرد، انسان اگر یک مقدار گوشت یا غذایی پیش این سگ بیندازد، در همان چند لحظه‌ای که سگ یا گرگ مشغول خوردن آن گوشت است، آدم را رها می‌کند؛ اما این نفس امّاره اگر گفت این نگاه نامحرم را انجام بده، یا این حرف حرام را بزن! همین که انسان حرف او را گوش داد، حرف بد زد یا نامحرم را نگاه کرد، او یک قدم جلوتر می‌آید. هیچ ممکن نیست دشمنی مثل نفس امّاره وجود داشته باشد. انسان هر دشمنی را یک طعمه جلوی او بیندازد در همان چند لحظه یا چند ساعتی که مشغول خوردن آن طعمه است، انسان آزاد است؛ اما نفس امّاره همین که انسان یک قدم حرف او را گوش داد، او ده قدم جلوتر می‌آید.

اینکه وجود مبارک حضرت امیر فرمود: اگر بر دشمنی قادر شدیم، عفو از او را شکر نعمت قرار بدهیم، درباره دشمن بیرون است نه دشمن درون. این کار در زمان خود حضرت پیامبر انجام شد. وقتی بر مشرکان مکه پیروز شد، فرمود: «إذهَبُوا فَأَنْتُمُ الطُّلَقَاء»،(۴) حالا که اسلحه را به زمین انداختید و اظهار عجز کردید، دیگر ما کاری با شما نداریم. حضرت عفو کرد که بسیاری از اینها به همان «ابن الطُّلقاء» معروف شدند؛ حضرت می‌دانست که دیگر کاری از آنها ساخته نیست. اما آن دشمنی که اگر شما یک لحظه عفو کنید دوباره خودش را تجهیز می‌کند، عفو از او شکر نیست بلکه یک غفلت است.

حضرت امیر در حکمت ۱۲می‌فرماید: «أَعْجَزُ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ اکْتِسَابِ الْإِخْوَانِ وَ أَعْجَزُ مِنْهُ مَنْ ضَیَّعَ مَنْ ظَفِرَ بِهِ مِنْهُمْ»؛ عاجزترین مردم کسی است که نتواند در جامعه برای خودش یک دوست صادق و صدیق فراهم کند. یک بیان نورانی از حضرت امیر است که ریشه آن در بیانات نورانی پیغمبر(ص) است و آن فرمود: «عَجِبْتُ لِمَنْ یَشْتَرِی الْعَبِیدَ بِمَالِهِ فَیُعْتِقُهُمْ کَیْفَ لَا یَشْتَرِی الْأَحْرَارَ بِحُسْنِ خُلُقِه»؛(۵) فرمود: من در تعجب هستم که مردم مال می‌دهند بنده می‌خرند و آزادشان می کنند؛ اما اخلاق را رعایت نمی‌کنند که آزادمردم را بخرند! مردان آزاده وقتی ببینند کسی خوش‌خُلق است، صادق است، امین است، پاک است، به او دل می‌سپارند. فرمود شما پول می‌دهید بنده می‌خرید و آزاد می‌کنید، اخلاق داشته باشید که جامعه‌ای را بخرید، نه اینکه آنها ـ معاذالله ـ بنده تو بشوند! می‌شوند هر چه تو بخواهی برای تو انجام می‌دهند. نه تنها در ظاهر،بلکه اگر مشکلی پیش آمد، بیمار شدی، شب برمی‌خیزند دعا می‌کنند. آیا از این نعمت بالاترهست؟ فرمود چرا شما به این فکر هستید که بنده‌ها را بخرید، به این فکر باشید که آزادها را بخرید.

دستورات اخلاقی ائمه(ع)؛ ملات تحکیم‌کننده ارتباطات اجتماعی

اخلاق ،جامعه را منسجم می‌کند. وجود مبارک امام صادق (ع) فرمود: «تَزَاوَرُوا فَإِنَّ فِی زِیَارَتِکُمْ إِحْیَاءً لِقُلُوبِکُمْ وَ ذِکْراً لِأَحَادِیثِنَا وَ أَحَادِیثُنَا تُعَطِّفُ بَعْضَکُمْ عَلَی بَعْض»؛(۶) یکدیگر را ترک نکنید، به زیارت یکدیگر بروید، محفل یکدیگر را پُر کنید، جمع بشوید، چرا؟ «فَإِنَّ فِی زِیَارَتِکُمْ إِحْیَاءً لِقُلُوبِکُمْ وَ ذِکْراً لِأَحَادِیثِنَا»؛ شما شیعیان ما هستید، وقتی کنار هم جمع شدید، احادیث ما را نقل می‌کنید. احادیث ما همه‌اش که مربوط به مسئله نماز و روزه و مانند آن نیست، بخشی مربوط به فقه است، بخشی مربوط به اخلاق است، بخشی مربوط به حقوق است. فرمود فایده کلمات ما این است که در جامعه عاطفه ایجاد می‌کند.همه ما شنیده‌ایم و این حرف را هم می‌گوییم و حرف درستی هم هست، می‌گوییم «سنگ روی سنگ بند نمی‌شود». الآن این برج‌هایی که می‌سازند اگر این کف، طبقه اوّل سنگ گذاشتند، طبقه دوم را بخواهند روی آن سنگ بگذارند که بند نمی‌شود، یک ملات نرمی می‌خواهد. اینکه می‌گوییم: «سنگ روی سنگ بند نمی‌شود»، مطلب درستی است. اگر یک ملات نرم نباشد سنگ روی سنگ بند نمی‌شود. این ملات نرم ،سنگ را روی سنگ بند می‌کند، این می‌شود بُرج، آن می‌شود قصرِ چند طبقه. وجود مبارک امام فرمود، دستورات اخلاقی ما آن ملات است که جامعه بسته را به هم مرتبط می‌کند: « أَحَادِیثُنَا تُعَطِّفُ»؛ عاطفه همان ملات نرم است. آن وقت می‌شود قصر، آن وقت می‌شود بنیان مرصوص.

اینجا هم فرمود عاجزترین مردم کسی است که نتواند برادر ایمانی تهیه کند. لطیف‌تر از «أصدقاء»، «إخوان» است. فرمود: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَة»(۷) همین است. آن ایمان یک ملات نرمی است که جامعه را به هم جمع می‌کند. فرمود اگر کسی نتواند برادر ایمانی جذب کند که مشکل او را در روز خطر حلّ کند، او جزء عاجزترین مردم است و عاجزتر از او کسی است که برادری فراهم کرده و تهیه کرده، دوست صادقی به دست آورده؛ ولی در اثر رعایت نکردن و ادامه ندادن اخلاق، آن برادر را از دست داد. نکته‌ای است که مستحضرید اینجا ما أعجز از أعجز که نداریم. اینکه فرمود: «أَعْجَزُ النَّاس مَنْ عَجَزَ عَنِ اکْتِسَابِ الْإِخْوَان»؛ یعنی عاجزترین مردم. أعجز از عاجزترین مردم که فرض ندارد! لکن این کلمه «النَّاس» اگر عموم بود، عاجزتر از همه دیگر عاجزتر نداشت؛ ولی «النَّاس» را گفتند مطلق است نه عام، چون مطلق است می‌تواند سعه عام را نداشته باشد؛ قهراً أعجز از أعجز فرض دارد. بنابراین اگر کلمه «النَّاس» عام بود، معنای آن این بود: «عاجزترین مردم در بین همه» و دیگر أعجز از او فرض نداشت؛ اما چون مطلق است نه عام، آن أعجز می‌شود أعجز نسبی و نه نفسی. وقتی أعجز نسبی شد أعجز از او فرض دارد. فرمود: «أَعْجَزُ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ اکْتِسَابِ الْإِخْوَانِ وَ أَعْجَزُ مِنْهُ مَنْ ضَیَّعَ مَنْ ظَفِرَ بِهِ مِنْهُمْ»؛ کسی که به زحمت زیاد، یک رفیقِ شفیقی پیدا کرده؛ اما در اثر مواظب نبودن گفتار، رفتار و زبانش را کنترل نکرده، آن دوست را از دست داد، عاجزترین مردم است.

بیانات حضرت آیت‌الله جوادی آملی(دام ظله) در جلسه درس اخلاق در دیدار با جمعی از دانشجویان و طلاب، قم؛ ۹۶/۱۲/۱۰

مرکز اطلاع‌رسانی اسرا

۱- نهج‌البلاغه صبحی صالح، حکمت۱۱. ۲- الکافی(ط ـ الإسلامیة)، ج۲، ص۹۵. ۳- مجموعهٔ ورام، ج۱، ص۵۹. ۴- الکافی(ط ـ الإسلامیة)، ج۳، ص۵۱۳. ۵- تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، شماره۸۷۸۶، ص۳۸۵. ۶- الکافی(ط ـ الإسلامیة)، ج۲، ص۱۸۶. ۷- حجرات، ۱۰.

خوان حکمت روزهای یکشنبه منتشر می‌شود.

ظریف: ماجرای سوخت ندادن به هواپیمایم در مونیخ پیش‌پاافتاده و عادی بود!

محمدجواد ظریف در گفت‌وگویی عدم سوخت‌رسانی به هواپیمای خود در آلمان را موضوعی عادی و پیش‌پاافتاده توصیف کرد!

محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه کشورمان در گفت‌وگویی در پاسخ به این سؤال که «چه اتفاقی برای پرواز شما در مونیخ افتاد، چرا سوخت به پرواز ندادند؟» گفت: متأسفانه گروهی در کشور ما هستند که برای نشان‌دادن بدعهدی آمریکا، کشور را تحقیر می‌کنند. موضوع از این قرار بود که به‌خاطر سفر رئیس‌جمهور به هند و حضور من در مسکو فرصت خیلی اندکی برای حضور من در مونیخ به وجود آمده بود. برای سوخت‌گیری پرواز من، به یکی، دو شرکت مراجعه شده بود که گفتند ملاحظاتی دارند. به نظر من آن ملاحظات هم براساس اطلاعات غلطی بود که دریافت کرده بودند؛ مثلا در این‌باره که هواپیمای بنده از کدام شرکت و کدام سرویس استفاده می‌کند... بنابراین تأملاتی داشتند. ما هم فرصت نداشتیم.

وی ادامه داد: سفارت ما فورا به دولت آلمان مراجعه کرد و دولت آلمان تصمیم گرفت ارتش وارد شود و موضوع ادامه پیدا نکند. خیلی از شرکت‌های نفتی گفتند اصلا با ما تماس گرفته نشد. اگر خبری را که «بی‌بی‌سی» داد ملاحظه کنید، شرکت NOV که آنجا حضور دارد گفته اصلا با من تماس گرفته نشد. شرکت دیگری گفته ما فرمی فرستادیم و آن فرم تکمیل نشد. همه اینها نشان‌دهنده این است که فرصت ما کم بود.

ظریف در بخش دیگری از این گفت‌وگو اظهار داشت: در گذشته ممکن بود ۱۰ سال هم کسی به نمایندگی از کشور ما در داووس حضور پیدا نکند، ولی بعد از چهار سال وقتی به هر دلیلی من تصمیم گرفتم به اجلاس داووس نروم به یک خبر بین‌المللی تبدیل شد. به‌جای اینکه دوستان بگویند حضور وزیر خارجه جمهوری اسلامی در اجلاس امنیتی مونیخ برای دولت آلمان این‌قدر مهم بود که برای کش پیدا نکردن موضوع تصمیم گرفت ارتش آلمان وارد شود و مسئله را حل کند، تبدیلش می‌کنند به یک مشکل. مشکلی که بیش از اینکه بدعهدی آمریکا را نشان دهد، تلاش می‌کنند غرور ملی را خدشه‌دار کنند.

وی تاکید کرد: من معتقدم اتفاقی که افتاد، پیش‌پاافتاده بود. اما در کشور برخی دوستان، همه اینها را که مسائل عادی است و خیلی راحت هم قابل فهم است به یک مسئله ملی تبدیل می‌کنند. به نظر من لااقل در حد بی‌بی‌سی نگاه می‌کردند و واقعیات را می‌دیدند. از سه، چهار شرکتی که آنجا بودند اصلا به دو شرکت مراجعه نشده است. موضوع فورا به ارتش آلمان منعکس شد و آنها هم به‌دلیل اهمیت حضور ایران موضوع را حل کردند.

چند سؤال از وزیر امور خارجه

درباره اظهارات ظریف چندین نکته را باید یادآوری کرد، نخست آنکه ملاحظات شرکت‌ها برای عدم سوخت‌رسانی به هواپیمای وزیر خارجه ایران که ظریف نیز به آن اذعان کرده است چه بود، جز ترس از تحریم آمریکا؟! سؤال اینجا است که چرا با گذشت دو سال از اجرایی شدن برجام شرکت‌ها از ترس تحریم‌های آمریکا جرات سوخت رسانی به هواپیمای وزیر خارجه کشورمان را ندارند؟ آیا این با عزت ملی سازگار است؟!

در این زمینه کافی است به گزارش رسانه‌های آلمان و اظهارات رئیس اجلاس مونیخ که دویچه وله فارسی آن را منتشر کرده است نگاهی بیندازیم، دویچه وله می‌نویسد: پیش از آغاز کنفرانس امنیتی مونیخ شرکت‌های نفتی فرودگاه این شهر، حاضر به سوخت‌رسانی به هواپیمای حامل ظریف، وزیر خارجه ایران نبودند. به گزارش رسانه‌های آلمان، تنها با دخالت وزارت دفاع و امور خارجه جلوی یک «رسوایی» گرفته شد.

همچنین به گزارش «اشپیگل آنلاین»، دولت آلمان در اواسط ماه فوریه به زحمت توانسته است جلوی یک جنجال و آبروریزی را بگیرد. به گزارش این وب‌سایت، شرکت‌های نفتی در فرودگاه مونیخ اعلام کرده بودند، از سوخت‌رسانی به هواپیمای ظریف، وزیر امور خارجه ایران، خودداری می‌کنند.

به گزارش رسانه‌های آلمان، پس از خودداری شرکت‌های نفتی از سوخت‌رسانی به هواپیمای ظریف، وزارت خارجه آلمان برای جلوگیری از یک جنجال دیپلماتیک دست به دامان وزارت دفاع این کشور شده و دولت مجبور شده است از تانکرهای سوخت‌رسان ارتش استفاده کند.

ولفگانگ ایشینگر، رئیس کنفرانس امنیتی مونیخ نیز گفته است که با زحمت و تلاش‌های زیاد و با دخالت وزارت دفاع و امور خارجه، حضور ظریف و هیئت همراهش در مونیخ امکان‌پذیر شده است.

این‌ها منتقدین داخلی دولت تدبیر و امید نیستند که گزارش آنان را به قول ظریف تلاش برای ناامید کردن مردم بدانیم و بنامیم؟

سؤال دیگری که بایستی از ظریف پرسید این است که چرا به قول رسانه‌های آلمانی چنین رسوایی دیپلماتیک برای شما پیش می‌آید و مسئولین دیگر کشورها گرفتاری‌های اینچنینی ندارند؟ اگر این مسئله چنان که وزیر خارجه می‌گوید امری عادی و پیش‌پاافتاده است بایستی همه گرفتار آن باشند نه فقط مسئولین و از جمله وزیر خارجه ایران.

نکته دیگر اینکه ظریف برای توجیه ماجرا از منتقدین می‌خواهد نوع نگاه بی‌بی‌سی به ماجرا را داشته باشند تا مشکلی پیش نیاید!، ارجاع دادن منتقدین به ارگان رسانه‌ای روباه پیر که هرگونه تحقیر و تخفیفی را مستحق ملت ایران و مسئولین کشورمان می‌داند و اصولا نگاه عزتمندانه مردم ایران را به موضوع نداشته و حافظ منافع دولتی است که از آن حقوق می‌گیرد نه ایران عجیب و شگفت‌انگیز به نظر می‌رسد.

و نکته پایانی اینکه منتقدین به دنبال ناامید کردن و تحقیر مردم نیستند، آنان از اینکه وزیر خارجه کشورمان که نماینده ایران بوده و بایستی عزت او حفظ شود چنین دچار تحقیر و توهین از سوی برخی کشورها می‌شود نگران و ناراحت می‌شوند و این انتقادها تذکری برای رعایت حرمت و حیثیت ملت ایران است.

احضار و تحقیق از نجفی

دادستان تهران: شهردار از مراسم برج میلاد اطلاع قبلی داشته است

دادستان تهران به شورای شهر تهران توصیه کرد که بر وضعیت شهرداری و عملکرد شهردار نظارت بیشتری کند.

به گزارش میزان، دادستان تهران در سی‌امین جلسه شورای معاونان دادسرای تهران با خاطر نشان کردن ساختارشکنی از طریق اجرای برنامه مبتذل در جشن شهرداری تهران به مناسبت روز زن، با رد توجیهات ارائه شده از سوی عده‌ای برای این بخش از مراسم، اظهار داشت: عده‌ای در صدد توجیه برآمده‌اند و از جمله گفته‌اند که رقص توسط چند کودک به عمل آمده است و یا اینکه شادی در اسلام حرام نشده است و لذا فاقد اشکال است؛ این توجیهات بی‌اساس است چرا که اسلام با شادی مخالف نیست، اما حتما با ابتذال مخالفت دارد.

عباس جعفری دولت‌آبادی درخصوص اقدامات دادسرا نسبت به این ساختارشکنی، از تشکیل پرونده در دادسرای تهران برای شهردار و دیگر عوامل خبر داد و افزود: پس از نامه دادستان کل کشور و گزارش سرپرست دادسرای ارشاد، در این زمینه شهردار و دیگر عوامل این مراسم احضار شدند و حسب گزارش واصله، در روز جاری از شهردار تهران تحقیق به عمل آمده است.

جعفری دولت‌آبادی با درخواست از مسئولان دستگاه‌های دولتی برای رعایت قوانین مملکتی و موازین شرعی در اجرای برنامه‌ها، ادامه داد: دستگاه‌های دولتی باید سردمدار رعایت نظم و مقررات و قواعد شرعی باشند و نباید با ارتکاب چنین اقدامات خلاف قانونی، در صدد توجیه اقدامات خلاف قانون و شرع برآیند.

وی توجیهات به عمل آمده از سوی شهردار تهران مبنی بر اینکه از برگزاری چنین مراسمی اطلاع قبلی نداشته است را نیز مردود دانست و اظهار داشت: اولاً؛ حسب تحقیقات به عمل آمده، شهردار تهران از مراسم مذکور اطلاع قبلی داشته است؛ ثانیاً؛ بر فرض عدم اطلاع نیز مکلف بوده مانع از ادامه مراسم به نحو فوق شود و یا به نشانه اعتراض از جلسه خارج گردد؛ و ثالثاً؛ چنین ساختارشکنی‌هایی به نحوی که گزارش شده، ابتذال محسوب می‌شود به ویژه آنکه در مراسم رسمی یک ارگان عمومی و با بودجه شهرداری باشد.

دادستان تهران به شورای شهر تهران مؤکداً توصیه کرد که بر وضعیت شهرداری و عملکرد شهردار نظارت بیشتری کند و گفت: توجه شورای شهر تهران را به وضعیت شهرداری جلب می‌کنم. ظاهراً شهردار تهران گرفتار امورات دیگری است به گونه‌ای که زمان لازم برای پرداختن به مسائل اصلی شهرداری را ندارد و با عنایت به اینکه در آستانه سال نو هستیم و شهر تهران به عنوان یک کلان‌شهر را نمی‌توان رها نمود، لذا نظارت شود تا شهردار از امور فرعی و فردی فارغ شود و به وظایفش درخصوص مسائل شهر بپردازد.

جعفری دولت‌آبادی با تاکید بر اینکه همه دستگاه‌ها مکلف به تمکین از قانون هستند، افزود: وقتی می‌توان انتظار رعایت نظم و قوانین مملکتی را از مردم داشت که در مرتبه اول مسئولان مطیع قانون باشند. هم‌چنین مسئولان دولتی باید منزه باشند تا حرف و اظهارات و اقدامات آنان در دیگران موثر افتد.

گزارش خبری تحلیلی کیهان

توطئه تازه دولت انگلیس با بهره‌گیری از پادوهای فرقه شیرازی

بقیه از صفحه ۲

دفتر نخست‌وزیری انگلیس در بیانیه‌ای با اعلام این موضوع افزود نخست‌وزیر انگلیس و ولیعهد عربستان همچنین توافق کرده‌اند همکاری‌ها را به منظور مقابله با آنچه «فعالیت‌های ثبات‌زدای ایران در منطقه» خوانده شده، تقویت کنند.

درست دو روز پس از آن، شاهد حمله طرفداران یک فرقه افراطی به سفارت کشورمان در لندن بودیم. بدیهی است که میان این دو پدیده ، یعنی سفر بن سلمان به لندن و حمله عوامل این فرقه افراطی به سفارت کشورمان ، ارتباطی مستقیم و معنادار وجود دارد. انفعال پلیس انگلیس در مقابل حمله کنندگان به سفارت (تا جایی که آنها توانستند به بالکن سفارت راه یابند)،در همین راستا قابل تحلیل و ارزیابی است. بدون شک در این خصوص شاهد اهمال خودخواسته و عامدانه دولت ترزا می بوده‌ایم.

نکته دیگری که باید در این خصوص مدنظر قرار گیرد، مربوط به اقدامات رسانه‌ای و تبلیغاتی افراد مهاجم در شبکه‌های رسانه‌ای وابسته به غرب بوده است.

برخی شبکه‌های غربی تصاویر حمله به سفارت ایران در انگلیس را به صورت زنده پخش کرده‌اند. این خود نشان دهنده هماهنگی کامل بخش‌های رسانه‌ای وابسته به برخی سرویس‌های امنیتی انگلیس و افراد مهاجم می‌باشد. به عبارت بهتر، در حادثه حمله به سفارت جمهوری اسلامی ایران به لندن، ما با حادثه‌ای طراحی شده و هدفمند رو به رو بوده‌ایم.

تحلیل‌ها می‌گویند این بازی هدفمند از سوی سرویس‌های امنیتی، سیاسی و رسانه‌ای دولت انگلیس طراحی و اجرا شده است. بدیهی است که در این معادله، نمی‌توان ادعای دولت انگلیس مبنی بر عدم اطلاع و آگاهی از این موضوع را پذیرفت زیرا رفتار پلیس و دیگر شواهد و مستندات موجود، چیز دیگری را نشان می‌دهد!

حمله برای انحراف جریان خبری یک سفر

محسن رضایی درباره سفر «محمد بن سلمان» ولیعهد عربستان به انگلیس و حمله ۵ شیعه نمای فرقه شیرازی به سفارت ایران در این شهر، در صفحه اینستاگرام خود نوشت :« سفر بن سلمان به انگلیس، دولت لندن را با فشار و اعتراض افکار عمومی مواجه کرده بود. اقدام طراحی شده و نمایشی پنج شیعه‌نمای انگلیسی در حمله به سفارت ایران در لندن برای انحراف جریان خبری این سفر صورت گرفت تا موج انتقادها از جنایات رژیم استبدادی آل‌سعود به حاشیه گراید».

رضایی تصریح کرد : «آن‌ها با کمک تبلیغی در سفر بن سلمان نشان دادند که هر دو از یک ریشه‌اند و جریان ضد سنی و ضد شیعه که به راه افتاده، ازهمان لندن سرچشمه می‌گیرد. این حادثه هر چند وزن ضدامنیتی قابل اعتنایی نداشت اما دستگاه‌های دیپلماسی و امنیتی کشور نباید از منشا آن غافل شوند و آن را بی‌جواب بگذارند.»

لزوم برخورد قاطع وزارت امور خارجه

موضوع دیگر، به برخورد وزارت امور خارجه کشورمان با ماجرای حمله به سفارت ایران در لندن باز می‌گردد.

واقعیت امر این است که دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی کشورمان باید موضوع حمله به سفارت جمهوری اسلامی ایران در لندن را به صورتی جدی پیگیری کند. بدیهی است که در این میان، دولت انگلیس حکم یک متهم تمام عیار را دارد و باید با جمع‌آوری شواهد و مستنداتی که اتفاقا زیاد نیز هستند، نسبت به بازخواست حقوقی و قضایی دولت انگلیس اقدام کرد. بدیهی است که ماجرای حمله اخیر به سفارت ایران حادثه‌ای ساده و تصادفی نبوده و می‌تواند محصول طراحی دستگاههای امنیتی و سیاسی وابسته به دولت انگلیس بوده باشد.

از سوی دیگر، همان گونه که‌اشاره شد نمی‌توان نقش سفر اخیر مقامات سعودی و محمد بن سلمان به انگلیس را در بروز این مسئله نادیده انگاشت. هم اکنون زمان آن است تا دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی کشورمان مانع از طفره رفتن مقامات انگلیسی درخصوص پاسخدهی به این موضوع شود.

هیچ نیستید

محمدهادی صحرایی

آیا برای آنکه به خدا و قرآنی که به سوی ما نازل شده و آنچه پیش از آن آمده است ایمان آورده ایم، از ما مسلمانان عیب می‌گیرید؟[۱]

زمانی نه چندان دور وقتی تاریخ خوانده می‌شد، برخی سخت باورانه می‌گفتند مگر می‌شود آخوندزاده‌ها و ملکم‌خان‌ها و دیگرانی که گفته‌اند این‌گونه باشند؟ حتماً اغراقی صورت گرفته و حب و بغضی در کار بوده است. مگر می‌شود در زمان امیرکبیر کسانی پیدا شوند که با شعارهای ملی‌گرایانه، مقابلش قد علم کنند و با پیشرفت ایران مقابله کنند؟ مگر می‌شود شهید نوری با آن وضعیت و در تهرانی که در حال و هوای مشروطه است کشته شود و آب از آب تکان نخورد؟ مگر می‌شود کسی به خود جرأت دهد و مجلس که نماد نظر مردم است را به توپ ببندد؟ مگر می‌شود رضا خان قلدر با آن همه یال و کوپال و گرد و خاکش برای مردم، در مقابل اجنبی‌ها ذلیل و زبون باشد؟ مگر می‌شود نخست‌وزیر مملکت بگوید ایرانیها لولهنگ هم نمی‌توانند بسازند و... و مگر می‌شود دفتر قائم‌مقام، محل تردد نفوذی‌ها باشد؟ حتماً مورخین اغراض خود را دخیل کرده‌اند یا انقلابیونی دوآتشه دست به قلم برده و تاریخ مملکت را به نفع اسلام و انقلاب پیچانده‌اند.

مردم عزیز! در دوره‌ای به سر می‌بریم که دوران دینداری آسان و ساده، به سر آمده. دینی که تنها به نماز و روزه و ظاهر اکتفا کند به کار دیروزمان نمی‌آمد، چه رسد به امروزِ پرفتنه! دوران آخرالزمان، دورانی است که فتنه‌های تودرتو و ملون و پی‌درپی، توسط دشمنان مزور و خناسان منافق و پوچ اندیشان رنگارنگ و نفوذ کرده، مردمان را آماج حملات خود می‌کنند و مؤمن و غیر مؤمن هم نمی‌شناسند. این فتنه‌ها آن‌قدر پیچیده‌اند که گاهی در غبارآلود آن، ساده دلانی که به رکوع و سجود خود دلخوشند را چون کاه از زمین می‌کَنند و در اعماق دره‌ها می‌نهند و گاهی به ظاهر بزرگانِ بالارفته از القاب و عناوین و سوت و کف را چنان بر زمین می‌کوبند که صداشان عبرت‌آموز گردد و گاهی آنان که به ظواهر دلبسته‌اند و دین خدا را با افراد می‌سنجند را چنان سردرگم می‌کنند که سالها در بیابان گمراهی سرگردانند. در این میان پیروزی با مؤمنین باهوشی است که از بس از نبی و ولی خدا تبعیت محض کرده اند، نانوشته می‌خوانند و از بصر گذشته و اهل بصیرت گشته‌اند و می‌دانند، عبور از فتنه‌ها، فن می‌خواهد نه ادعا. نه هرکه سر بتراشد قلندری داند.

آن اهل بصیرتان باهوش، فهمیده‌اند که طی این مراحل را بی‌همرهی خضر نباید کرد که در این راه ناهموار، همراهان ناجور و ناهمراه بسیارند که رهزن دین و دنیایند و در کمین ساده دلان. بلدچی باید آب را از سراب تمیز دهد و راه را از بی‌راه. سری به آسمان داشته و زبان ستارگان بداند تا در شب فتنه‌ها قبله را گم نکند و به تمام معنا عالم باشد. عالم تنها نه، عاقل هم باشد. اهل اهم و مهم باشد. چه بسیار اهل علمی که عالِم را فاسد می‌کنند. اهل عمل هم باشد. نه آنکه بگوید و خود نکند. اهل یقین هم باشد. نه اینکه امروز بگوید و فردا خلافش را بپوید. عالم عاقلِ عاملِ مؤمن. که امام معصوممان فرمود شبهه‌ها، به کَسی کَه عالم به زمانش باشد، هجوم نمی‌آورد. با چنین کسی که رهیافته است، می‌شود ره سپرد و مطمئن بود. و معصومین اصلِ این رهیافتگان‌اند که انتقاد و خرده گرفتن و اظهارِ فضل نزد آنها، از کم خردی است. این رهیافتگان گفته‌اند که در ظلمت فتنه‌ها به قرآن پناه ببرید که این فن مقابله با فتنه‌هاست. و قرآن مظلومی که به دستور امیربیان باید از آن استنطاق می‌کردیم، مهجور و مظلوم در میان ما مسلمانهاست.

قرآن راه رشد را از بیراه گمراهی روشن نموده و سرنوشت اقوام را به انتخاب خودشان واگذارده و گفته است حال هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه خود تغییرش دهند و چه بسا چیزی را برگزینند که به ضررشان باشد و از چیزی بپرهیزند که به نفعشان باشد و... ولی با این‌حال بارها بر نجات مؤمنین از تنگناها وعده داده است، به شرط آنکه مؤمن باشند. مؤمنین هیچ‌گاه در فتنه‌ها رها نمی‌شوند و گمراهی و بن بست ندارند، به شرط آنکه مؤمن بمانند. به تعبیر قرآنی، مؤمن به‌غیر از آنچه گفته شد یعنی آنکه به غیر خدا امیدی ندارد. از یک سوراخ دوبار گزیده نمی‌شود. به دشمنان اعتمادی ندارد. به جای مؤمنین از دشمنان دوست نمی‌گیرد. راستگوست. اهل مجاهده است. به جای اولیاء راستین خدا، محرم اسرار و رفیق نهانی و «ولیجه» نمی‌گیرد. حیا دارد و حرمت خوبیها و خوبها را نگه می‌دارد. خدمات خوبان را به یاد دارد و اهل تولی و تبری است و... و از مغز استخوان به خدا اعتماد دارد و در برابر وارفتگان و وادادگان دشمن دیده، ایستاده و می‌گوید: إِنَّ مَعِیَ رَبِّی سَیَهْدِینِ[۲]

آن لجبازان شخص پرست، پریشان گویند. آنچه رهبری تلقین می‌کند «سعی وافر و مستمر برای امیدبخشی» صِرف نیست، واقعیتی است که باید به مردم گفته شود و بدانند که در آستانه قله‌اند. آنها که دوست را از دشمن نمی‌شناسند و اهم را از مهم تمیز نمی‌دهند و منافع و مضرات اجتماع را نمی‌دانند زیاده نگویند. کلاهت را بالابزن رفیق و نوک اسلحه‌ات را به سمت دشمن بچرخان، آن حرامی که قصد ما کرده و چون گاو وحشی، عراق و شام مسلمین را شخم می‌زند آن طرف است و آن قلاده دریده سعودی که یمنیان را زنده خواری می‌کند آن سوست. و اسرائیلی که به خون من و تو قسم خورده و می‌خواهد بامرگش دیگران را نیز با خود به گور ببرد، تماشاگر ماست و تند و تند، شفیره تروریست می‌گذارد. برای کدام عدالت سخن می‌گویی و برای کدام حق یقه می‌درانی؟ حق آن بود که زیرپاگذاشتی. آنها که در رأس بوده و هستند، حق ندارند نقش اپوزیسیون بازی کنند و آنها که آبروی خود را از امام و شهدا دارند جوانمردانه نیست، به آرمانشان پشت کنند. سرگشاده نویسان سابق و لاحقی که سالیانی امورِ مردم دستشان بود، باید از کار خود بگویند. یُثَبِّتُ اللّهُ الَّذِینَ ءَامَنُواْ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِی الْحَیَوةِ الدُّنْیَا وَ فِی الاَخِرَةِ وَ یُضِلُّ اللّهُ الظَّالِمِینَ[۳]

این نیز از همان ابتلائاتی است که مردم دچار شده‌اند و عده‌ای از مسئولان که نسبتشان با مردم را بریده‌اند، هر وقت دسته گلی به آب می‌دهند، منتقدان و مردم را به باد توهین می‌گیرند، غافل از اینکه ادب مرد به زدولت او. مردم در تلاطم تناقض‌های دولت، نمی‌دانند آن پناه بردن به خدا از استبداد رأی و بستن دهان منتقدان را باور کنند یا به جهنم حواله دادن منتقدان را؟ بی‌عقل خواندن منتقدان را در ابتدای هفته یا حق مردم دانستن انتقاد را درآخر هفته؟ عطش عجیب مذاکره با آمریکا و شهوت امضا و عکس گرفتن را یا دیوانه خواندن اهل مذاکره با آمریکا را؟ محرمانه و امنیتی‌ترین کابینه را یا شعار شفافیت را؟ منشور شهروندی را یا کثرت باید بایدها را؟ و اصلاً چرا این طایفه این قدر از انتقاد می‌ترسند و اعتماد به نفس ندارند؟ مدعیان جایز بودن انتقاد از معصوم که سؤال عربِ بی‌ادب، از رسول مهربان خدا را الگو می‌کنند چرا خود تحمل انتقاد را ندارند و از پاسخ فرار می‌کنند؟ نمی‌دانند نتیجه «آزادی بیانی» که با «ادب» همراه نباشد می‌شود امثال دخترک بازیگری که به خود اجازه می‌دهد به مردم کشورش آنچنان جسارت کند. آیا اگر آفتاب عالمتاب برجام و باغ سیب و هلو و گشایشهای پی درپی که نتوانست یک باک بنزین برای ژنرال دولت پرکند به منتقدان باید توهین شود؟ قضاوت توافق غمبار برجام و ساده‌لوحی، واگذارش به تاریخ، جواب خدا را چه می‌دهید؟

مردم گمان کردند ده‌ها ناسزای نامؤدبان، ورود با ماشین خارجی در میان کارگران مپنا، بی‌شعور خواندن فرماندار، میکروفون قاپی و مزخرف خواندن مسکن مهر و سلب آرامش خاطر میلیونها ساکن مسکن مهر با دروغ، تا خرخره در ماشین بودن در بین مردم سرپل ذهاب، ورود با کفش به چادر مصیبت زدگان و...اشتباهی بوده است ولی ظاهرااشتباه در کارنبوده و خلق تفرعنانه این‌گونه ایجاب می‌کند. معلوم است آنکه فیش نجومی دارد و وزیری که دختر مظلومش، خانه را بارانداز کالای قاچاق کرده و از محنت دیگران بی‌غم است، نمی‌داند که برنج هندی و پاکستانی کیسه ۷۰ تومن چه مزه‌ای است. مدعیان بایدگو، باید به جای دستبرد به اعتقادات مردم و تحریف تاریخ و علوم انسانی، بدانند که حدود ۴ماه از زلزله مهیب کرمانشاه می‌گذرد و مردم سرما زده هنوز در چادرند، افزایش قیمت دلار و سکه، تخم مرغ و گوشت و مرغ را دست نایافتنی کرده، مردم برای وام دومیلیون تومانی از بانک دولتی باید ۲۵ برگ را با ضامنین تهیه و امضا نمایند و ۲۰۰هزار تومان هزینه کنند، رانندگان ایرانی با همان پاسپورتی که به عزت مزین شده در ترکیه کتک می‌خورند و....

دوران جولان فتنه‌ها را می‌گذرانیم. دشمن به تنگ آمده که حیاتش را در خطر می‌بیند، هرچه تیر در چله دارد را رها کرده تا دمی بیشتر بماند. اگر اقتصاد اسلامی، عدالت قضایی، طهارت مسئولین، کارجهادی، انتخابات و نفوذ، اصلاح و ارتقاء فرهنگ عمومی، چهره نمودن فرهیختگان و نخبگان در رسانه به جای امور و افراد زرد را جدی می‌گرفتیم، شاهد ناگوارهای این روزها نبودیم که کار را دیگران خراب کنند و بپیچانند و محترمان عذربخواهند. بی‌تدبیری‌هایی که امروزه در دستگاه‌ها موج می‌زند حاکی از اهتمام و التزام نداشتن ما به مبانی انقلاب است و اینکه ندانستیم وقتی به دنبال ایجاد تمدنیم، ایمان مستودع به کارمان نمی‌آید، باید برای انقلاب، ایمان مستقر فراهم می‌کردیم. انقلاب به فضل خدا خواهد ماند و به جای آنها که ایمانشان را با نان و نام و ناله عوض کرده اند، خداوند جوانانی از دهه شصتی و هفتادی و هشتادی را خواهد رساند که یحبهم و یحبونه و آنها به دشمنان و منحرفان و پوچ اندیشان و آنها که مؤمنین را به خاطر اعتقادشان مذمت می‌کنند، خواهند فهماند که در مقابل اراده خداوند بر رساندن ایران مؤمن بر قله‌های افتخار، لَستُم عَلی شَیء[۴] اند.

۱- سوره مائده آیه ۵۹

۲- پروردگارم با من است و به زودی مرا راهنمایی خواهد کرد. سوره شعرا آیه ۶۲

۳- سوره ابراهیم آیه ۲۷

۴- بهره‌ای از حق ندارید و هیچ نیستید. سوره مائده آیه ۶۸

نگاهی به دیروزنامه‌های زنجیره‌ای

کره شمالی و آمریکا باید مسیر برجام را بروند!

سرویس سیاسی ـ

ارگان دولت دیروز توصیه کرد که اون و ترامپ مسیر برجام را بروند. این در شرایطی است که توافق هسته‌ای باک هواپیمای ظریف را هم پر نکرد و رئیس‌جمهور هم مذاکره با آمریکا را دیوانگی دانسته است. وزیر راه و شهرسازی هم که در آستانه استیضاح است، طی یادداشتی در یک روزنامه زنجیره‌ای، نمایندگان را به استیضاح کشاند! روزنامه زنجیره‌ای دیگری همزمان از لابی گسترده وزیر راه خبر داد.

با وجود نقض شدن جسم و روح برجام، ارگان دولت دیروز تلاش کرد به جنازه توافق هسته‌ای تنفس مصنوعی دهد. روزنامه ایران در سرمقاله خود درباره موضوع مذاکره اون و ترامپ نوشت: «پیش‌بینی می‌کنم «اون» در مذاکرات چهره‌ای دوستانه از خود نشان دهد اما بعید است حاضر شود به وعده‌هایی که داده عمل کند و مثلا دست از سلاح‌های هسته‌ای خود بردارد. این مذاکرات تأثیرات مثبتی نیز در مورد برجام دربر خواهد داشت، زیرا آمریکا با قبول کردن موجودیت هسته‌ای کره شمالی است که پای میز مذاکره می‌نشیند. بنابراین در مورد ایران نیز نباید انتظار داشته باشد شاخ و برگ ایران زده شود تا بعداً با ایران وارد مذاکره شود. علاوه‌بر این ترامپ به این ترتیب پذیرفته است حل بحران کره شمالی باید از راه مسالمت‌آمیز انجام شود نه تهدید و ارعاب که این چیزی نیست جز تأیید راه برجام.»

برجامی که حامیان دولت خود را درباره‌اش به خواب زده‌اند، همان توافقی است که بنزین هواپیمای ظریف را هم در مونیخ تأمین نکرد. علتش هم ترس آلمان‌ها از جریمه‌های آمریکا بود. مذاکره‌ای که رئیس‌جمهور هم آن را دیوانگی خواند. همان توافق خسارت باری که قرار بود همزمان با اجرای آن تحریم‌ها بالمره برداشته شود اما عراقچی تصریح کرد تحریم‌ها روی کاغذ برداشته شده است. ظریف گفت که «هنوز نمی‌توانیم یک حساب بانکی در انگلیس باز کنیم.»

عباس عراقچی، معاون سیاسی وزیر خارجه و رئیس ستاد پیگیری اجرای برجام در اندیشکده سلطنتی چتم هاوس در انگلیس گفت: «برجام داستانی موفقیت‌آمیز برای شما کشورهای ۱+۵ است چراکه ایران کاملا به آن پایبند بوده است و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که قاضی این توافق است تایید کرده ایران هرگز از آن تخطی نکرده است و کاملا به آن پایبند بوده است... اما ایران برجام را داستانی موفق نمی‌داند چراکه ایران از آن بهره‌مند نشده و تحریم‌ها برداشته نشده است. دلیل ساده است، آمریکا تقریبا هر روز تعهداتش در برجام را نقض می‌کند و آمریکا دلیل این مسئله است که برجام برای ایران موفق نبوده است. حتی متن و کلمات برجام نقض شده‌اند.»

یک یادآوری!

ستون نگاه روزنامه اعتماد در شماره دیروز به یادداشت عباس آخوندی وزیر راه و شهرسازی اختصاص یافته بود. وزیر راه دولت اگر در این یادداشت سؤال را حق نمایندگان عنوان کرده اما در کل، یادداشت را خطاب به نمایندگانی که استیضاح او را مطرح کرده‌اند نوشته است.

در این یادداشت آمده: «مسیر پرسش و پاسخ بین مجلس و دولت جاده یکطرفه است. قطعاً حرکت در خلاف جهت جریمه سنگینی دارد. لیکن، این‌بار می‌خواهم برخلاف رویه معمول، پرسشی را با نمایندگانِ عزیز استیضاح‌کننده در میان بگذارم و به‌قول معروف طلب توضیح کنم. و آن این است که آیا این استیضاح پایه استَواری دارد؟ و آیا مراحل عرفِ حقوقی شکل‌گیری خود را طی کرده است؟ و سرانجام، آیا بر اثر آن نکته تاریکی روشن خواهد شد؟»

وزیر راه دولت سپس افزوده است: «بسیار خرسندم که برای سومین بار در صحن مجلس شورای اسلامی برای پاسخ به استیضاح نمایندگان طالب توضیح حضور پیدا خواهم کرد. البته افزون بر استیضاح، تاکنون چهار بار دیگر نیز برای پاسخ به سؤال نمایندگان محترم نیز حضور یافته‌ام و در تمام موارد اکثریت نمایندگان عزیز توضیح‌های این‌جانب را قانع‌کننده تشخیص داده‌اند. مبنای من در ادای توضیح‌ها همواره بر صداقت و درستی، منظور داشتن منافع ملی و رعایت وجدان جمعی ملت عزیز ایران بوده و هست. و بر این باور نیز هستم که روح مردم‌سالاری چیزی جز اعمال حق پرسشگری برای ملت و ملزم ساختن مسئولان به پاسخگویی در چارچوب قانون چیز دیگری نیست. و باید با جان و دل آن را پاس بداریم.»

نخست آنکه پس از پایان یافتن چهار سال نخست دولت تدبیر و امید بنا به اعتقاد بسیاری از منتقدان و حتی برخی از حامیان دولت، وزارت تحت امر عباس آخوندی فشل‌ترین و کم کارترین وزارتخانه دولت بود. عمده مردم نیز این سؤال برایشان مطرح بوده که وزیر راه پس از مزخرف خواندن پروژه مسکن مهر چه کار دیگری انجام داده است؟ به همین سبب برخی از کاربران محیط مجازی معتقد بودند که او خیلی پیش‌تر از این باید استیضاح می‌شد.

نکته دیگری که در مورد یادداشت امروز وزیر محترم راه و شهرسازی شایان توجه است، این عبارات از یادداشت فوق است: «مردم‌سالاری چیزی جز اعمال حق پرسشگری برای ملت و ملزم ساختن مسئولان به پاسخگویی... نیست.» برخی از کاربران فضای مجازی در مواجهه با این سطرها به یادآوری برخورد آقای آخوندی با خبرنگار باشگاه خبرنگاران جوان پرداخته‌اند. در آن واقعه آقای وزیر پس از طرح سؤال، ناگهان میکروفون را از دست خانم خبرنگار می‌گیرد و به کناری پرت می‌کند.

لابی گسترده وزیر راه

روزنامه آرمان اما در این زمینه در گفت‌وگو با یکی از نمایندگان مجلس نوشت که «... آقای آخوندی در شکل گسترده‌تری در حال لابی با نمایندگان مجلس است.» در این گفت‌وگو آمده است: «برخی عنوان می‌کنند احتمال استیضاح آقای آخوندی بیشتر از بقیه است. با این وجود با شناختی که بنده از آقای آخوندی دارم باید این نکته را متذکر شوم که آقای آخوندی حرفه‌ای‌تر از بقیه است و به خوبی می‌داند که چگونه باید از این وضعیت خارج شود. این در حالی است که بقیه وزرا دارای چنین شرایطی نیستند و ممکن است در این وضعیت گرفتار شوند. به‌عنوان مثال در شرایط کنونی آقای ربیعی و آخوندی در حال لابی کردن با نمایندگان مجلس هستند. این در حالی است که اخبار لابی کردن آقای ربیعی با نمایندگان مجلس و دغدغه‌هایی که در این زمینه مطرح می‌شود خیلی زود رسانه‌ای می‌شود و ارزش خود را از دست می‌دهد یا شکل خنثی به خود می‌گیرد، اما آقای آخوندی در شکل گسترده‌تری در حال لابی با نمایندگان مجلس است و از تمام ابزارها و امکانات خود نیز در این زمینه استفاده می‌کند و هیچ‌کسی از این لابی‌ها و چگونگی آنها مطلع نمی‌شود. به همین دلیل نیز بنده معتقدم آقای آخوندی رویکرد حرفه‌ای‌تری در پیش گرفته‌اند و می‌توان احتمال موفقیت بیشتری برای ایشان در نظر گرفت.»

آرمان در بخش دیگری از مصاحبه از قول این نماینده مجلس نوشت: «رویکرد دولت به شکلی بوده که در مقطع کنونی نمایندگان چاره‌ای جز استیضاح وزرا پیش روی خود نمی‌بینند... با بسیاری از همکاران که در مجلس در این زمینه صحبت می‌کنم اغلب نمایندگان عنوان می‌کنند که ما از گذشته تاکنون با تمام وجود با دولت همکاری کرده‌ایم. با این وجود... پاسخ مناسبی نسبت به رویکرد تعاملی ما نداده است. برخی از نمایندگان عنوان می‌کنند که دولت به دیدگاه‌های ما توجه کافی ندارد و همچنان به مسیری که در پیش گرفته ادامه می‌دهد.»

برخی از وزرا ادبیات مناسبی در برخورد با نمایندگان ندارند

در بخش دیگری از این گفت‌وگو آمده است: «هنگامی که مجلس از دولت حمایت می‌کند و به‌صورت غیرمستقیم عنوان می‌شود که نیاز به حمایت مجلس نیست، دیگر نمی‌توان بر همان رویکرد گذشته پافشاری کرد... متاسفانه برخی از وزرای دولت که با حمایت نمایندگان به وزارت دست پیدا کرده‌اند، امروز ادبیات مناسبی در برخورد با نمایندگان ندارند و رفتار قبلی خود را تغییر داده‌اند.»

این نماینده مجلس به آرمان گفت: «مردم به دور دوم ریاست‌جمهوری آقای روحانی امیدهای زیادی داشته و انتظار دارند اتفاقات مهمی در کشور رخ دهد. با این وجود این امیدها تاکنون رنگ واقعیت به خود نگرفته است و اتفاقا برخی رویکردها می‌تواند سبب ناامیدی و یأس در بین مردم و گروه‌های حامی دولت شود...نمایندگان مجلس از تعامل و همکاری یک طرفه خسته شده‌اند و به‌دنبال اصلاح رویکرد خود نسبت به دولت هستند.»

وطن فروشان معلوم‌الحال دم از ناکارآمدی نظام می‌زنند!

یکی از مدعیان اصلاحات در گفت‌وگو با آرمان درباره پیشنهاد رفراندوم که از سوی رئیس‌جمهور مطرح شد، گفت: «نفس اظهار نظر آقای رئیس‌جمهور را در این رابطه مشروع می‌دانم و اظهار نظر ایشان قابل دفاع است. کسانی که نسبت به سخنان آقای رئیس‌جمهور واکنش نشان دادند اساسا تیری در تاریکی انداخته‌اند. مگر رئیس‌جمهور اشاره کرد که باید در چه زمینه‌هایی بحث کنیم؛ ایشان به عنوان یک سخن کلی گفته بود که چه بسا ما نیازمند یک تغییر باشیم. از این رو کسانی که مخالفت نشان دادند بیشتر مخالفان آقای روحانی و دنبال بهانه بودند که وی را نقد کنند و در واقع در این قضایا بدان پرداختند.»

گفتنی است، وقتی عده‌ای کم شمار در حد یک چند صد هزارم جمعیت ۲۲ بهمن دست به اغتشاش زده بودند، آقای روحانی و رسانه‌های حامی او گوش فلک را کر کرده بودند که صدای مردم را باید شنید! و تعجب‌آور است چرا حاضر نیستند صدای توده‌های عظیم و چند ده میلیونی مردم در راهپیمایی ۲۲ بهمن را که صدای واقعی ملت است، بشنوند؟ حضور تماشایی ملت در یوم‌الله ۲۲ بهمن رفراندوم بزرگی در استواری و پایمردی بر آرمان‌های انقلاب بود اما افراطیون مدعی اصلاحات خود را به ندیدن زده‌اند.

آرمان در گفت‌وگو با یکی دیگر از مدعیان اصلاحات نوشت: «امروز اگر رفراندومی که خیلی‌ها از آن صحبت می‌کنند در اصلاح ساختار و نوع ساختار اداری و مدیریتی کشور صورت گیرد، یکی از روشن‌ترین و صریح‌ترین پیام‌ها و دستاوردها را خواهد داشت و نظام بسیار راحت‌تر می‌تواند از این بحران ناکارآمدی نجات پیدا کند.»

اینکه یک مشت خائن وطن فروش نظام را دچار بحران ناکارآمدی بخوانند، جای تعجب ندارد. اینها معلوم‌الحالند و هیچ گاه زیر بار یک نظام مردم سالار دینی نمی‌روند. این را در سال ۸۸ اثبات کردند. وقتی کاندیدای مطبوعشان در انتخابات شکست خورد، با دروغ تقلب در انتخابات دست به آشوب و اغتشاش زدند. علیه اسلامیت و جمهوریت نظام شورش کردند و گرای تحریم‌های فلج‌کننده را به دشمن دادند. این قداره‌کش‌ها در ۹ دی از توده‌های مردم وفادار به انقلاب سیلی محکمی خوردند؛ ملت همچنین ایستادگی خود بر اصول و مبانی انقلاب و نظام را هر سال در ۲۲ بهمن به رخ می‌کشد اما اینها باز بر طبل رفراندوم می‌کوبند چراکه اسیر خواسته‌های نفسانی خود و منافع نامشروع باندی‌اند.

حجت‌الاسلام سید علی خمینی:

امام در خانه درباره جایگاه علمی‌شان حرفی نمی‌زدند

حجت‌الاسلام سید علی خمینی با آیت‌الله باقری کنی دیدار و گفت‌وگو کرد.

در این دیدار آیت‌الله باقری کنی بااشاره به جایگاه اخلاقی و علمی امام راحل به ذکر خاطره‌ای پرداخت و ابراز داشت: امام(ره) با هیچ‌کس قابل قیاس نبودند، ایشان استاد بودند و ما شاگرد، اما این نسبت استادی به شاگرد یک به هزار هم نبود؛ یعنی اگر امام هزار بودند ما یک هم نبودیم.

وی تصریح کرد: امام(ره) چه از جهت اخلاق و چه از جهت علمیت این‌گونه بودند و این مسئله نه فقط برای ما و ایران بلکه برای همه عالم اینگونه بود.

به گزارش فارس، حجت‌الاسلام سیدعلی خمینی نیز در این دیدار اظهار داشت: دختر امام(ره) نقل می‌کرد زمانی که به مدرسه می‌رفتند، دوستی داشتند که آن دوست‌شان می‌گفت، پدر من آیت‌الله و استاد است.

وی افزود: ایشان روایت می‌کرد ما همان زمان کودکی فکر می‌کردیم، پدر ما یک فرد عادی است و از این بابت خیلی ناراحت بودیم که پدر او آیت‌الله است و پدر ما فردی عادی است، اما وقتی بزرگ شدیم متوجه شدیم پدر ما همان موقع درس خارج می‌گفته و چند صد نفر شاگرد داشته است.

حجت‌الاسلام سید علی خمینی بر همین اساس بیان داشت: بنابراین امام(ره) در خانه نیز این مباحث (جایگاه علمی‌شان) را مطرح نمی‌کردند.